کد خبر: ۴۵۲۷۲۹
شنبه ۲۶ تیر ۱۴۰۰ ۹:۴۵

تلاش طالبان برای اعتمادسازی میسر خواهد شد؟

با بالا گرفتن بحران امنیتی اخیر در افغانستان، بحث ها و جدل ها در ارتباط با اعتماد به این گروه که برخی ادعا دارند به مقتضای زمان تغییر کرده است، همچنان ادامه دارد، اما پیچیدگی های تئوریک و رفتاری این جریان فکری- سیاسی مسلح، باور پذیری این ادعا را سخت و دشوار کرده است.

به گزارش خبرنگاران جامعه گزارش خبر، طالبان، گروهی که با افکار تند و افراطی و نگاه سلبی از دین در دهه پایانی قرن بیستم میلادی در افغانستان ظاهر شد با جامعه انسانی در این کشور بویژه زنان چنان کرد که برای سال ها عنوان مخوف ترین گروه و باند ایدئولوژیک را در جهان یدک کشید.این گروه در ادامه، در سال ۲۰۰۱ میلادی و پس از حمله القاعده متحد سنتی طالبان به برج های دوقلو و واقعه ۱۱ سپتامبر قدرتی را که با حمایت دولت های منطقه به دست آورده بود، از دست داد.
با اینحال به دلیل آنکه این گروه دارای پایگاه اجتماعی غیر قابل انکاری در افغانستان است و واقعیت آن را نمی توان ندید، بطور کامل سرکوب نشد و تفکرات و باورهایش در فضای اجتماعی این کشور جاری ماند و طی سال های اخیر رفته رفته قدرت نظامی خود را نیز بازیافت، تا اینکه آمریکایی هایی که از ۲۰ سال پیش به بهانه سرکوب همین گروه خاک افغانستان را اشغال کرده بودند، باب مذاکره با رهبران جدید طالبان را گشودند.
در همین راستا، دوحه به مرکز تبادلات میان آمریکا و طالبان تبدیل شد تا اینکه در سال ۲۰۱۹ میلادی طرفین به یک توافق رسیدند، توافقی که به نظر می رسد، یک روی صحنه و یک پشت صحنه داشت. مذاکرات طالبان با آمریکایی ها و حتی برخی کشورهای منطقه اعم از ایران و روسیه و پاکستان و حتی چین، یک تصویر و تصور جدیدی از این گروه ارائه کرد، بطوری که بسیاری را متقاعد کرد، طالبان امروز با طالبان دیروز متفاوت است.
اکنون هم بسیاری را بر این عقیده است که طالبان امروزی، مانند طالبان دیروز نیست و در جهان بینی و نگاه به قدرت دستخوش یک تغییر شده است و مثلا دیپلماسی را فرا گرفته و امروز پشت میزهای مذاکره حاضر می شود. اما تجربه می گوید، تغییرات در بدنه فکری یک سازمان چریکی یا پارتیزانی با ایده ها و تصورات کهنه و قدیمی، باید شامل همه اجزای آن از تشکیلات و ساختار تا تفکر و سازماندهی باشد، به این ترتیب این سوال پیش می آید که آیا این اتفاق در بطن طالبان رخ داده یا آن را صرفا در قالب تاکتیک فریب افکار عمومی و بازیگران منطقه ای بکار می گیرد؟ برای پاسخ به این سوال لازم است، برخی مختصات و برون دادهای این گروه در زمان حاضر بازخوانی و مجموع کنش های آن با گذشته اش مقایسه شود؛
چند دستگیطالبان دیروز یک گروه کاملا منسجم در سراسر افغانستان بود بطوری که رهبری آن ملا عمر بر همه اجزا و اندام تشکیلات خود در همه حوزه ها اشراف داشت، اما طالبان امروز براساس بیانیه های رسمی، دارای دستکم دو یا سه شاخه است.
به عنوان مثال آن بخش از بدنه طالبان که پشت میزمذاکرات می نشیند، از طرفی از صلح ، آشتی و ضرورت گفت وگو و مشارکت همه جریان های سیاسی و همه طیف های اجتماعی در قدرت سخن می گوید و از طرف دیگر عملیات مشترک طالبان و داعش در مناطقی از افغانستان را تایید می کند و در عین حال کشتار صورت گرفته غیر نظامیان را گردن داعش می اندازد یا مثلا خشونت ها و کشتار در بغلان را کار بخشی از نیروهای خودسر طالبان می داند و تلاش می کند گروه طالبان را در کلان ماجرا تبرئه کند.

آمریکایی‌ها برای اولین بار باب مذاکره با رهبران جدید طالبان را گشودند

به همین ترتیب حمله مساجد و مدارس را هم همین بخش ظاهرا دیپلماتیک به گردن سایر گروه ها می اندازد.
این مشخصه تشکیلاتی، واقعی است یا تاکتیک ؟ اگر واقعی باشد که اساسا نمی توان در هیچ حوزه ای به این گروه اعتماد کرد، چرا که مشخص نخواهد بود با کدام طالبان طرف هستید و درعین حال هیچکس در هیچ نقطه ای از افغانستان پاسخگوی اعمال و رفتار بدنه نخواهد بود.
احتمال دیگر اینکه این مشخصه صرفا یک تاکتیک باشد؛ در طول دو سه سال اخیر چندین حمله تروریستی مرگبار را شاهد بوده ایم؛ کشتار بغلان و یا خشونت هایی که در سایر مناطق صورت گرفته است و حتی به مساجد هم رحم نکرده اند و یا دخترکانی که در مدرسه مورد حمله قرار گرفته و کشتار شدند.
و اتفاقا در همین جنگ های جاری که از دو سه هفته پیش شدت گرفته است، فیلم ها و تصاویری از قتل عام سربازان ارتش افغانستان در رسانه ها به چرخش درآمده است که شاخه ظاهرا رسمی و سیاسی این گروه آنها را صریحا تکذیب می کند.
به این ترتیب در هر دو حالت، یکی از دو سه جریان حاکم بر فضای فکری طالبان خود را در زیر چتر جریان رسمی پنهان کرده است.
منادیان خشونت و تاکید مکرر بر قرائت خشن از دین
طی هفته های اخیر اظهارات و خطابه هایی از رهبران معنوی و روحانی طالبان در شبکه های اجتماعی و رسانه های منطقه پخش شده است که حاوی خشن ترین دیدگاه ها و نظرات و برداشت ها، از دین است و به صورت رسمی می گوید که هیچ تغییری در رویکردهای فکری این گروه نسبت به ۲۰ سال پیش رخ نداده است.
در یکی از این ویدئوها خطیب یا سخنران در ارتباط با جنگ با کفار توضیح می دهد و البته نمی گوید در افغانستان مگر کافر هم هست؟!
آن مرد جوان روحانی طالبانی، درباره غنائم جنگی می گوید که غنائم شامل زن و فرزندان کفار هم می شود و دائم از گردن زدن مردان می گوید در یک ویدئوی ۲ یا ۳ دقیقه ای چنان نفرت پراکنی گسترده ای صورت می گیرد که قتل عام سربازان ارتش افغانستان در روزهای اخیر یک توجیه ایدئولوژیک پیدا می کند.

خطیبان و مبلغان طالبانی دائم از جنگ با کفار می گویند، این درحالی است که غیر از شیعه ای که در افغانستان در هزاره جات ساکن است، به نظر هیچ دین و مذهب دیگری در افغانستان وجود ندارد و یا اگر هست آنقدر در اقلیت هستند که اساسا نیازی به جنگ و شمشیر کشی نیست. اما درعین حال کینه ورزی و نفرت پراکنی آشکار این گروه به غیر از شیعیان برخی از گروه های قومی این کشور مانند تاجیک ها و ازبک ها را هم شامل می شود و این معنایی جز دگر ستیزی افراطی ندارد.

از همین رو ، این رفتارها و رویه ها نمی تواند یک "چرخش" جدی را ثابت کند، چرا که به غیر از یک هسته رسانه ای و یک بخش از هرم قدرت در این گروه، بقیه اجزا اعم از تئوریسن ها ، تبلیغاتچی ها و تفنگ به دست ها همان رفتار طالبان دیروزی را مرور می کنند.

زن ستیزی افراطی

نگاه طالبان در ارتباط با زنان همان نگاه طالبان دیروز است و بر پایه باورهای قدیمی که زنان همچنان باید در خانه حبس شوند و وظیفه شان خانه‌داری و خدمت رسانی به مردان است و بدتر آنکه بخشی از دارائی های مجاهدان طالب هم تلقی می شوند و بعد از به قدرت رسیدن میان آنان تقسیم خواهند شد(براساس گفته های تازه خطیبان داعش) و البته داستان به همینجا ختم نمی شود.

استفاده از تاکتیک ارعاب

ارعاب از طریق کشتار جمعی و گردن زدن اسرا از جمله شیوه های گروه های تکفیری است که علاوه بر سابقه طالبان قدیمی، طی این سال ها به کرات در عراق و سوریه از سوی گروه های تروریستی دیگر مانند داعش و النصره هم مورد استفاده قرار گرفته است؛ یعنی ارعاب مردم !

<img alt="مسیر دشوار طالبان برای اعتمادسازی"
h e i g h t = " ۵ ۰ ۶ "
src="https://www.irna.ir/sd/۴۹c۸۸۵e۵a۰a۸۶۲۹۸۹۰۵f۰c۹۱a۷de۷۲۰۸e۹۹۴۸af۴۳۰dccc۸adacedf۳۴f۰۱bb۸a۴ab۳۳e۵c۱e۹۰۲۲e۹۹۶۶۴۶۶fc۲۳f
f۴۱۱cb.jpg" width="۷۰۰" />

طالبان ،زنان را بخشی از دارایی مجاهدان می‌داند

درحالی که طالبان در آغاز نبردهای اخیر از ادبیات و لحن ملایم و نرم درخطاب قراردادن مردم افغانستان استفاده می کردند، در گذر کوتاهی از زمان یعنی کمتر از دو هفته، خشونت را در کشتار سربازان افغان به اوج رساندند و اگر چه همچنان بخشی از بدنه، این رفتارها را تکذیب کرده و یا مسئولیت آن را به عهده دیگران می اندازد، اما این حوادث از مسئولیت طالبان نمی کاهد و بی اعتمادی به این گروه را تشدید می کند.

تمامیت خواهیطالبان طی دو سال گذشته پای میز مذاکرات نشسته و بعد از توافق با آمریکایی ها که بالاخره معلوم نشد چه قرار و مدارهایی میان آنان گذاشته شد، با دولت افغانستان هم وارد گفت وگو شدند. نفس این اقدام، یعنی گفت وگو و مذاکره، به معنای آن است که طرفین پذیرفته اند که قصد دارند وارد روند سیاسی شوند و می خواهند سهم خود از قدرت را از طریق تفاهم و تعامل با سایر جریان های سیاسی به دست آورند و کشور را اداره کنیم. در غیر این صورت مذاکرات بر سر تصاحب همه کیک قدرت چه معنایی دارد؟ شاید به همین دلیل است که طالبان بعد از خروج ناگهانی و شتابزده نظامیان آمریکایی و سایر نیروهای عضو ناتو یکباره با قطع مذاکرات با دولت مرکزی، تشکیل امارت اسلامی را به افغان ها نوید داد. رفتارهای طالبان نشان می دهد که این گروه همچنان به ضرورت پایبندی به قواعد بازی اعتقادی ندارد و سهمی هم برای سایرین قائل نیست. این گروه قصد دارد برای کل افغانستان به عنوان یک مرجع مادر تصمیم گیری کند که نتیجه آن حذف و به حاشیه راندن احزاب و جریان های سیاسی است و نماد این هدف گذاری طالبان را می توان در قصد طالبان بر تشکیل امارت اسلامی ، پایین کشیدن پرچم ملی افغانستان از مناطق متصرفی ازجمله گمرکات و گذرگاه های مرزی مشاهده کرد. همین دوگانگی ها و ابهامات در کارکرد سایر نحله ها و شاخه های طالبان در عرصه داخلی، ایجاد اعتماد به این گروه در عرصه روابط خارجی را هم سخت و دشوار می کند.با این اوصاف اگر طالبان امروز حیله نمی کند و واقعا قصد دارد یک شریک در قدرت در کنار سایرین باشد و بطور جدی آن دیدگاه ها و قرائت های قدیمی از دین را کنار گذاشته است، باید گفت که در مسیر اعتماد سازی ، موانع سخت و راه دشواری در پیش دارد؛ که عناصر متنوعی از وجود جریان های افراطی تا خطیبان تندرو را شامل می شود.فعلا شواهد و عملکردها اثری از تغییر را در نگاه و عملکرد طالبان نسبت به گذشته نشان نمی دهد، تا بعد!